

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شب قدر، لیل پی بردن به قدر انسان

امشب، هم شب شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام است و هم لیلۃ القدر است؛ یکی از سه لیله‌ی است که به لیلۃ القدر بودن محتمل است. شب نوزدهم را پشت سر گذاشتیم؛ لیلۃ القدر، لیله‌ی پی بردن به قدر خویشتن و نیل به قدر انسانی است. لیلۃ القدر، لیلۃ علی علیه السلام است. و این تقارن چقدر عظیم است؛ چقدر عجیب است. چون اندازه و قدّ انسانیت، یعنی قد و قدر امیرالمؤمنین علیه السلام. امیرالمؤمنین علیه السلام شاخص و معیارِ قدر و کمال انسانی است. ابعادِ کمال انسانی و تمامیت عظمت انسانی را در وجود مقدّس امیرالمؤمنین علیه السلام می‌شود مشاهده کرد. علی علیه السلام، میزان انسان است؛ میزان الکمال است و چقدر دنیای ما به علی علیه السلام محتاج است؛ به لیلۃ القدری که لیله‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ لیله‌ی انسان کامل است. چون لیلۃ القدر، لیله‌ی حجّت خداست. در دنیای امروز که تعریف انسان به خور و خواب و خشم و شهوت، به شکم‌چرانی و لذّت‌جویی از خوردن و نوشیدن‌ها، به شهوت‌رانی و بی‌بند و باری‌های جنسی، و به خشونت و قهر و غلبه و تفوق‌طلبی و سرکوب و از پا درآوردنِ رقبا و بر مسند قدرت نشستن منحصر شده است؛ در دنیای امروز که تمامیت بشریت در شهوت و غضب خلاصه شده است؛ قد و قدر انسانیت با شاخص شهوت و غضب سنجیده می‌شود؛ انسان سعادت‌مند، انسان موقّق، انسان کامل در فرهنگ دنیای امروز، انسانی است که بهتر و بیشتر می‌خورد و می‌آشامد؛ بیشتر و بهتر از

کام‌بری‌های جنسی بهره می‌جوید و بیشتر و بهتر در مسند قدرت قرار می‌گیرد و برای نیل به شکم‌چرانی‌ها و شهوت‌رانی‌های خود و ارضای جاه‌طلبی‌های خود، بهتر و بیشتر به پول و ثروت دسترسی دارد؛ چقدر به آن میزان الانسان نیاز است! در فرهنگ امروز بشری، سعادتِ انسانی با این شاخص‌ها شناخته می‌شود؛ چقدر پول دارد؛ چه مقامی دارد؛ چه می‌خورد و می‌آشامد و چگونه ارضاء جنسی می‌شود! این قدّ بشریّت در دنیای امروز است. دنیای بعد از رنسانس، دنیایی که از خدا محوری به اومانیزم تغییر محور داد؛ اومانیزم به معنای انسانیت نیست؛ به معنای نفسانیت است؛ نفس انسان، همان چیزی که کانون شهوت و غضب است. لذا تمدن امروز دنبال این است که با علم و تکنولوژی و پول و ثروت بتواند هرچه بیشتر لذائد نفسانی بشر را تأمین کند. این لذائد نفسانی ناشی از خوردن و پوشیدن و نوشیدن است؛ یا ناشی از کام‌بری‌ها و لذت‌جویی‌های جنسی است؛ و یا ناشی از دستیابی به قدرت و قهر و غلبه بر رقبا و مخالفان است. این اوج تعریفی است که دنیای امروز از بشریّت دارد؛ قدّ انسان در دنیای امروز این است. در گذشته، تمثیلی راجع به دنیای امروز به کار بردم؛ کارتونِ گالیور را مثال زدم. در داستان گالیور، گالیور به شهری می‌رود که همه‌ی مردم آن کوتوله‌اند؛ قدّشان به اندازه‌ی یک بند انگشت است. اما چون همه‌ی مردم کوتوله‌اند، هیچ کس احساس کوتاه بودن نمی‌کند. وقتی به یکدیگر نگاه می‌کنند، می‌گویند ماشاءالله قدّ به این بلندی، چه‌مان است؟! چون در آن شهر همه هم‌قدند؛ همه کوتوله‌اند. چه وقت پی می‌برند کوتوله‌اند؟ چه وقت می‌فهمند قدّشان کوتاه است؟ وقتی گالیور وارد آن شهر می‌شود؛ آن وقت معنای قدّ یک انسان را می‌فهمند؛ آن وقت تازه پی می‌برند کوتوله‌اند. دنیای امروز، شهر کوتوله‌های گالیور است و این

کوتوله‌ها هیچ احساس کوتوله بودن هم نمی‌کنند. خیلی هم احساس پیشرفت و ترقی می‌کنند؛ احساس می‌کنند خیلی بزرگند. اما کوتوله‌اند؛ در حیوانیت و نفسانیت خود اسیرند؛ قد نکشیده‌اند.

خور و خواب و خشم و شهوت، شغب است و جهل و ظلمت

حیوان خبر ندارد ز جهان آدمیت

دنیای امروز دنیای کوتوله‌هاست؛ قد انسان شناخته شده نیست؛ قدر انسان شناخته شده نیست. معلوم نیست انسان چه قدر است. گمان می‌شود اندازه و قدر انسان همین است که بشر امروز دارد. دنیای امروز، شب ظلمانی‌یی است که حقیقت انسانیت در آن ناشناخته است. و در این لیل‌ه‌ی دنیا، حقیقت انسانیت با تمامیتش است که قدر انسان را تعریف می‌کند و آن حجت خداست. لذا لیل‌ة‌القدر معنا پیدا می‌کند. در این لیل دنیا که قدر بشر، قدر انسان، قدر آدمیت و انسانیت ناشناخته است؛ حجت خداست که قدر انسان را مشخص می‌کند. ابعاد و عظمت حقیقت انسانی را به منصفی ظهور می‌گذارد و با شناخت و توجه به اوست که دیگران می‌یابند که چقدر کوتاهند و آن وقت شاید نقطه‌ی تحول و مبدأ تحوّل در زندگی‌شان باشد؛ وقتی قد افراشته‌ی انسان کامل را در اخلاق، کمالات روحی، اندیشه‌ها و افکار بلند و در عظمت‌های معنوی و عرفانی ببینند؛ وقتی قد افراشته‌ی حجت خدا را ببینند؛ شاید به فکر بیفتند که اندکی قد بکشند. لیل‌ة‌القدر نقطه‌ی عطف حیات بشری است. اگر کسی به لیل‌ة‌القدر دست یافت و حجت خدا را در لیل‌ة‌القدر ملاقات کرد؛ تمامیت قد انسان را مشاهده کرد. آن شب، شبی است که فردای آن یوم

القیامة خواهد بود. «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ»^۱ خواهد بود. آن حقیقتی که سلام است؛ یعنی انسان کامل، سلامت کامل است. هیچ عارضه‌یی در هیچ مرتبه‌یی از مراتب ظاهر و باطن او وجود ندارد؛ او سلامت مطلق است. اگر بخواهم وارد آن بحث شوم که سلامت در مراتب مختلف وجود انسان یعنی چه؛ بحث مفصّلی است. بگذارید اگر عمری بود؛ در مناسبت دیگری اشاره کنم. حجت خدا سلام است. وقتی حقیقت سلام را ببینیم؛ آن وقت بیماری خودمان را باور می‌کنیم. آن قدّ افراشته و قدر لیلۃ‌القدری حجت خدا را که ببینیم؛ آن وقت کوتاه بودن خودمان را درک می‌کنیم و شاید ان‌شاءالله لیلۃ‌القدر برای ما مبدأ یک تحوّل شود. اگر این‌گونه شود؛ به بیداری و یقظه رسیدیم و یقظه و بیداری نقطه‌ی آغاز سیر الی الله و نیل به همه‌ی کمالات انسانی است.

امیدواریم لیلۃ‌القدر، این حقیقت را برای ما مجسم کند. ان‌شاءالله امشب که یکی از سه شبی است که محتمل است لیلۃ‌القدر باشد و تقارن آن با شهادت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و یاد و ذکر امیرالمؤمنین علیه‌السلام و کمالات امیرالمؤمنین علیه‌السلام، بتواند نقطه‌یی باشد، برای این که به خود بیاییم و بفهمیم انسان غیر از این است که ما هستیم. بعضاً وقتی کمالات اولیای خدا را ذکر می‌کنیم، افرادی پیدا می‌شوند که می‌گویند: خیلی غلو می‌کنی؛ آنها هم انسان بودند. آن حرف برای این است که معنای انسان را نمی‌فهمیم. آنها خودشان را انسان می‌دانند. نه؛ امیرالمؤمنین علیه‌السلام غیر انسان نبود، ما غیر انسانیم. علی علیه‌السلام را از

^۱سوره‌ی قدر، آیه‌ی ۵.

انسانیت بالاتر نبردیم؛ انسانیت یعنی علی علیه السلام. اما وقتی انسانیت را شناختیم، آن وقت می‌فهمیم ما انسان نیستیم و هنوز در حیوانیت اسیریم. امیدواریم لیلۃ‌القدر، برای ما لیله‌ی پی بردن به قدر انسانی، با لقاء، شهود، مشاهده و ملاقات با حقیقت حجّت خدا باشد؛ و مبدأ یک تحوّل و دگرگونی برای حرکت کردن باشد. گرچه قدّ هیچ کس به افراشتی قدّ امیرالمؤمنین علیه السلام نخواهد شد. خود امیرالمؤمنین علیه السلام هم فرمودند: «**إِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ، وَلَكِنْ أَعْيُنِي بَوْرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعَقَّةٍ وَ سَدَادٍ**»^۲ شما قدرت ندارید هم‌قدّ من شوید؛ اما به این کوتولگی هم بسنده نکنید؛ قانع نشوید. مرا ببینید؛ بفهمید قد یعنی چه؛ قانع و مکتفی به این حدّ کوتاه خود نشوید. من آمدم قدّ شما را بلند کنم؛ ولكن شما هم بیایید به من کمک کنید؛ مدد دهید؛ با پاکدامنی، پرهیز از گناه و آلودگی، اجتهاد و تلاش، مجاهدت، عفت، سداد و ثبات قدم مرا یاری و مدد دهید. لااقل قدّتان از این که هست، کمی بلندتر شود. درست است هم‌قدّ من نمی‌شوید. البتّه راه را برای این که هم‌قدّ من شوید، نبسته‌اند؛ اما احدی همّتی به بلندی همّت من ندارد تا بتواند این راه بلند کمال را، تا جایی که من رفتم بیاید. احدی نمی‌تواند به من علی علیه السلام برسد؛ نه این که به من نمی‌رسد؛ به فهم این که من به کجا رسیده‌ام هم نخواهد رسید. حضرت در خطبه‌ی سوم نهج البلاغه فرمودند: «**يُنْحَدِرُ عَنِّي السَّيْلُ، وَلَا يَرْقِي إِلَى الطَّيْرِ**»^۳ همه‌ی فیوضاتی که در عالم خلقت جاری شده است، از قلّه‌ی وجود من علی علیه السلام است. در همه‌ی عوالم، جبروتیان،

^۲. سید رضی، نهج البلاغه، نامه‌ی ۴۵.

^۳. سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۳.

ملکوتیان، ناسوتیان، هرچه از فیوضات از مبدأ هستی دریافت کردند؛ از قلّه‌ی وجود من علی علیه السلام جاری شده است. و هیچ شاهین بلندپروازی به قلّه‌ی وجود من علی علیه السلام نمی‌تواند پر بکشد؛ یعنی هیچ اندیشه‌ی بلند حکیمی و هیچ کشف بلند عارف مکاشفی به درک و تعقل و شهود و دیدار حقیقت من با تمامیت وجودم راه ندارد. من علی علیه السلام راز ناشناخته‌ی عالم وجودم. لذا به من نمی‌رسید. اما یک تکانی بخورید.

شیر را ماند همی بچه به او تو به حیدر خود چه می‌مانی بگو

تو که می‌گویی من پیرو حیدر امیرالمؤمنین علیه السلام، شیعه، عاشق و فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام هستم؛ امیرالمؤمنین علیه السلام پدر من است؛ تو به حیدر خود چه می‌مانی بگو. کمی قد بکشید؛ لیلۃ القدر یعنی این. یعنی شبی که انسان به قدر و اندازه‌ی انسانیت پی می‌برد و آن وقت به کوتاهی خود واقف می‌شود و اراده می‌کند و تصمیم می‌گیرد که تحول عمیقی در زندگی خود برای رشد، تعالی و تکامل ایجاد کند. امیدواریم خدای متعال چنین لیلۃ القدری را در امشب و شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان، نصیب همه‌ی ما بفرماید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ